



گالری هدیه ماندگار

طلاي ۲۴ عيار

آدرس: عدالت ۸۵

مرکز تجاری تندیس - طبقه اول

پیرمردیان

آمار بالای چاه‌های
غیرمجاز در گلستان



۲

۴۵۰ خانه برای معلولان
در دست ساخت است



۳

تفاهم‌نامه تشکیل کمیته مدیریت
مردمی بحران روستاها امضا شد



۳

گلشن

روزنامه

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

چهارشنبه ۱۵ آذر ماه ۱۴۰۲ / سال بیست و پنجم / شماره ۲۶۹۵ / صفحه ۲۵۰۰ / تومان

یادداشت اول

دیدار دوست

■ احسان مکتبی - مریم قرآنی

خواججه نظام الملک در سیاست نامه آورده است:

گویند روزی نوشیروان عادل برنشسته بود و با خاصگیان به شکار می رفت و بر کنار دیهی گذر کرد، پیری را دید نود ساله که جوز در زمین می نشاند، نوشیروان را عجب آمد زیرا که بیست سال جوز کشته بر می دهد، گفت ای پیر جوز می کاری؟ گفت آری خدایگان، گفت چند بخواهی زیست که برش بخوری؟ پیر گفت کشتند و خوردیم و کاریم و خورند. (سیاست نامه، تصحیح اقبال، ۱۶۳)

ما نیز این پند را در گذر زمان شنیدیم و چنین کردیم و کوشیدیم فرزندان این کهن دیار را در صفحه ادبیات کودک و نوجوان گلشن مهر گرد آوریم و برای آنها از حکیم فردوسی و شاهنامه گران سنگش، جناب سعدی و گلستان و بوستان با صفایش و از حافظ بزرگ و شور غزل هایش بگویم و به آنها طراوت خواندن و لذت نوشتن را بیاموزیم. اینک به پاس چهارمین سال استمرار چنین عیش مدامی با شور و اشتیاق دور هم خواهیم آمد و به پای خوانش برگزیده ای از آثار شصت نویسنده کودک و نوجوان گلشن مهر خواهیم نشست. به این خاطر از شما فرهیخته گرامی دعوت می شود تا در دورهمی نویسندگان کودک و نوجوان گلشن مهر که در عصر امروز چهارشنبه پانزدهم آذر ماه در کانون طاهای گرگان با سخنرانی استادسید حسین میرکاطمی، نویسنده معاصر برگزار می شود به جمع ما در آید و فرزندان این آب و خاک را گرم و روشنائی بخشید.

صاحب امتیاز/مدیرمسئول



۰۱۷۳۲۲۴۴۳۰۲



جای خالی دانشجویان
در نمایشگاه هفته پژوهش
« ۱ »



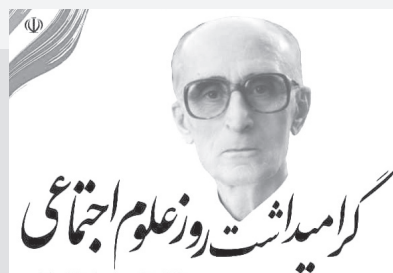
ادبیات
کودک و نوجوان
« ۵۴ »



اجرای پوشش بخشایش فاطمی
در دادگستری گلستان
« ۳ »

گزارش سخنرانی روز علوم اجتماعی

گسل ها را جدی بگیرید



گرامیداشت روز علوم اجتماعی

داشته باشید که همه‌ی ما در خانواده‌های مذهبی متولد شدیم و عنصر مذهب، همیشه از متغیرهای تاثیرگذار بوده. از دست به دست دادن جناح روشنفکر تحت تاثیر مرحوم شریعتی و جناح سنتی تحت تاثیر مرحوم امام خمینی، پدیده‌ی انقلاب اتفاق افتاد. شاید بسیاری جامعه‌شناسی را قبول نداشته باشند. اما علاقه‌مندان به این رشته نقش عمده‌ای در پیروزی انقلاب داشتند. رضایی در رابطه با معضلات اجتماعی حال حاضر و نقش جامعه‌شناسان خاطر نشان کرد: از نظر من، بعد از انقلاب نقش جامعه‌شناسان عمیق تر شد. هم‌اکنون ما با گسل‌های متعدد اجتماعی روبرو هستیم. من مخصوصاً لفظ گسل را برای آن به کار می‌برم. می‌دانیم که با فعال شدن یک گسل زمین‌شناسی، پدیده‌ی ویرانگر زلزله رخ می‌دهد. نظام کنونی کشور ما یک نظام دینی است. بر خلاف حکومت قبلی که از نوع سکولار بود. در نتیجه، امکان تقابل با گسل‌های مذهبی وجود دارد. بخشی از جامعه‌ی ما اهل تسنن هستند. این تفاوت مذهبی در بسیاری از موارد با گسل قومی تطبیق پیدا می‌کند. به طور مثال، در حال حاضر یک حکومت شیعه در ایران حاکم است...

ادامه در صفحه ۲

مهران موذنی - دانشیار جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران در مراسم روز علوم اجتماعی در گرگان این روز را فرصت مناسبی برای گفت و گو قلمداد کرد و درباره‌ی اهمیت آن عنوان کرد: گفت و گو می‌تواند دانشجو را زنده نگه دارد. نه از نظر بیولوژیکی، بلکه از نظر علمی. دکتر احمد رضایی، درباره‌ی اعطای عنوان پدر جامعه‌شناسی ایران به غلامحسین صدیقی گفت: اولین کتاب جامعه‌شناسی در ایران به قلم یحیی مهدوی است که علم‌الاجتماع نام دارد. همچنین اولین مدرس علوم اجتماعی در دانشگاه تهران، یک استاد آلمانی به نام ویل هاوس بود. اما غلامحسین صدیقی به علت تاسیس موسسه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی، به عنوان پدر جامعه‌شناسی ایران شناخته می‌شود. در این موسسه که بعدها از دل آن رشته‌های علوم اجتماعی متولد شد، جناح‌های مختلف فکری و سیاسی حضور داشتند. این در حالی است که هر یک از موسسان آن دارای گرایش‌های سیاسی خاصی بودند. علی‌رغم اختلاف نظری که در این موسسه‌ی تحقیقاتی وجود داشت، پژوهش‌های زیادی صورت گرفت و به نوعی سبب آشنایی ما با پژوهش شد. به طور مثال، با مطرح شدن اصلاحات ارضی، موسسه‌ی تحقیقات در ابعاد متعددی به بررسی تغییرات سیستم کشاورزی ایران پرداخت. در دهه‌ی ۵۰ از دل این

ادامه تیر اول

آسیب‌های اجتماعی از خطرناک‌ترین آسیب‌هاست. به طور مثال، نیروی انتظامی اخیراً اعلام کرد که معمولاً در بین افراد بازداشتی، تعداد افراد دارای اعتیاد بر تعداد سارقین غلبه داشته. اما اخیراً، غلبه با سارقین است. آن هم سارقینی که تا قبل از آن، هیچ پیشینه‌ای نداشته‌اند. این یعنی زیر پوست فرهنگی شهر اتفاقاتی در حال وقوع است که ما از آن‌ها بی‌خبریم. همچنین نیروی انتظامی مصرف مشروبات الکلی کشور را ۲۰۰ میلیون لیتر برآورد کرده است. اگر افراد بالای ۱۵ یا ۱۸ سال را به عنوان مصرف‌کننده فرض کنیم، سهم هر یک، ۴ لیتر می‌شود. این در حالی است که مصرف مشروبات الکلی از محرمانه دین ماست. رضایی با جست و جوی ریشه‌ی این آسیب‌ها در شرایط اقتصادی کشور عنوان کرد: کشور بنگلادش که به تازگی قدم در راه توسعه گذاشته، دارای درآمد سرانه‌ی ۲ هزار دلاری است. در حالی که درآمد سرانه‌ی ما هزار و ۹۰۰ دلار است. تولید ناخالص داخلی ما نسبت به ۲ دهه‌ی قبل نصف شده. این‌ها نشان از یک بحران جدی توسعه یا یک بحران اقتصادی است و بحران اقتصادی هزاران مشکل همراه با خودش خواهد داشت. وی در نهایت با تأکید بر لزوم شکل‌گیری اجتماعات علمی گفت: هدف ما تشکیل یک اجتماع علمی است. اصولاً در اجتماعات علمی رشد شخص و جامعه صورت می‌گیرد. کاری از کسی به صورت انفرادی بر نخواهد آمد. هم‌اکنون بالغ بر ۴۰۰ هزار نفر فارغ‌التحصیل از رشته‌ی علوم اجتماعی در کشور وجود دارد. به عبارت دیگر، ما یک اجتماع جامعه‌شناسی خوانده‌با جمعیتی نزدیک به نیم میلیون نفر

هستیم که می‌تواند در تعیین سرنوشت خود و جامعه تأثیرگذار باشد. در ابتدای این مراسم نیز دکتر دانیال باقری، انجمن جامعه‌شناسی گلستان، ضمن تبریک روز علوم اجتماعی، به ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی نامگذاری این روز پرداخت و گفت: ۱۲ آذر ماه زادروز دکتر غلامحسین صدیقی، بنیانگذار جامعه‌شناسی در ایران است. ایشان در سال ۱۳۱۶ از فرانسه فارغ‌التحصیل شده و به کشور بازگشت. دکتر صدیقی در دولت دکتر مصدق مدتی وزیر پست و تلگراف و سپس، وزیر کشور بود. موسسه‌ی تحقیقات و مطالعات اجتماعی کشور در سال ۱۳۲۷ با کمک ایشان و دکتر احسان نراقی تاسیس شد. تا اینکه در سال ۱۳۵۱ که این موسسه به دانشکده‌ی علوم اجتماعی در دانشگاه تهران تبدیل شد. از سال ۱۳۹۳ هر ساله روز ملی علوم اجتماعی برگزار می‌شود. نکته‌ی جالبی که درباره‌ی ۱۲ آذر وجود دارد، این است که دکتر نراقی، دیگر بنیانگذار موسسه‌ی تحقیقات، دقیقاً در همین روز از دنیا رفت. وی در مورد انتخاب اعضای شعبه‌ی انجمن جامعه‌شناسی در گلستان اظهار داشت: سعی شد در مورد انتخاب اعضای هیئت مدیره‌ی انجمن، جامعیت در نظر گرفته شود. طوری که اعضای آن از دانشگاه‌های مختلف باشند. در حال حاضر، ۱ نفر از اعضای هیئت مدیره از دانشگاه آزاد، ۲ نفر از دانشگاه پیام نور، ۲ نفر از دانشگاه گلستان و ۱ نفر از دانشگاه علوم پزشکی است. لازم به ذکر است این همایش دوشنبه گذشته به مناسبت مراسم گرامی داشت روز علوم اجتماعی به میزبانی دانشگاه گلستان و با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران برگزار شد.

آبرسانی به ۷۷ روستا
سرعت گرفت

مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان گفت: با اهدای ۹۸ هزار متر لوله پلی‌اتیلن توسط خیر، آبرسانی به ۷۷ روستای استان سرعت گرفت. به گزارش روابط عمومی، ابوالفضل رحیمی اظهار کرد: در یکی از این طرح‌ها در راستای رفع مشکل آب شرب روستای مرزی چشمه‌لی مراوه تپه و با کمک خیرین، عملیات خط انتقال آب شرب به طول هزار و ۶۰۰ متر به پایان رسید. وی بیان کرد: تامین آب شرب روستای چشمه‌لی مراوه تپه از طریق یک دهنه چشمه صورت می‌گرفت که با خشک شدن چشمه فوق، آبرسانی به این روستا از طریق ناوگان آبرسانی سیار ادامه یافت. رحیمی اظهار کرد: این شرکت در راستای رفع کمبود آب شرب این روستا اقدام به مهندسی مجدد یک حلقه چاه آب آشامیدنی در این روستا کرد که با تجهیز چاه فوق ۵۵۰ نفر از مردم روستای چشمه‌لی شهرستان مراوه تپه از آب آشامیدنی پایدار و سالم بهره‌مند شدند.

آمار بالای چاه‌های غیر مجاز در گلستان

سنتی و حرکت به سمت تکنولوژی تأکید کرد و اضافه کرد: در سال ۱۴۰۰ استان گلستان در رتبه آخر کشور در زهکشی قرار داشت که سیاه برای ۳۰ هزار هکتار قرارداد بست و متأسفانه خود کشاورزان باید منابعی را داشته باشند تا از این مزایا بهره‌مند شوند و تحقق این برنامه‌ها فداکاری می‌خواهد. وی از تشدید متناوب گرمای زمین و کاهش باران در آینده و حرکت به سمت بی‌آبی خبر داد و تصریح کرد: آمار حفر چاه‌های غیر مجاز در استان وحشتناک است و اگر چاره‌اندیشی نشوند با بحران مواجه می‌شویم. فرمانده سپاه نینوا با انتقاد از اینکه سد نرمام باید ۱۰ سال پیش به بهره‌برداری می‌رسید ولی در دوره‌های گذشته در اولویت استان قرار نداشت، توضیح داد: اگر در زمینه نوین آبیاری کار نشود و از منابع آبی به شکل بهینه استفاده نگردد با فاجعه مواجه خواهیم شد. وی با تأکید بر اینکه جهاد کشاورزی خیلی جای کار دارد و به دلیل اینکه استان قطب کشاورزی شود باید همه در خدمت این سازمان باشند، تصریح کرد: مرحله کاشت درخت و گرفتن عکس یادگاری در روز درختکاری مهم نیست بلکه مرحله داشت، مهم است تا منابع طبیعی را حفظ کند و اگر منابع طبیعی با اصول علمی کامل حفظ شود، نتایج مثبت آن را خواهیم دید.



وی با اشاره به اینکه زمین‌های شمال استان گلستان دیم بوده و پس از بررسی‌ها متوجه شدیم که باید ۲۷۰ هزار هکتار از اراضی شمال زهکشی شود، خاطر نشان کرد: در ادوار گذشته موفق شدیم با استفاده از ظرفیت خاتم‌الانبیاء بین ۸۰ تا ۱۰۰ هزار هکتار از اراضی استان را زهکشی کنیم که شاهد افزایش محصولات تولیدی در این اراضی به خصوص کشت گندم شدیم. سردار ملک شاهکویی بر خارج شدن کشاورزی استان از سیستم

فرمانده سپاه نینوا گلستان با بیان اینکه صنعت کشاورزی استان سنتی بوده و با تکنولوژی فاصله دارد، افزود: برای اینکه به قطب کشاورزی تبدیل شویم باید تمام استان در خدمت سازمان جهاد کشاورزی باشند. به گزارش روابط عمومی، علی ملک شاهکویی در همایش گرامی‌داشت روز جهانی خاک که در سالن همایش‌های مؤسسه تحقیقات پنبه گلستان برگزار شد، اظهار کرد: طبق آمارهای منتشر شده، ۹۸ درصد محصولات کشاورزی مورد نیاز کشور در استان گلستان کشت می‌شود که این خود بسیار ارزشمند است ولی از علوم روز دنیا در حوزه کشاورزی عقب هستیم. وی با بیان اینکه امروز علوم دنیا با روش اشتباه و سنتی آتش زدن اراضی کشاورزی به خصوص اراضی کشت گندم پس از برداشت کاملاً مغایرت دارد، ادامه داد: آنچه در علوم روز در زمینه پرهیز از آتش زدن اراضی کشاورزی عنوان می‌شود، ماحصل ساعت‌ها، روزها، ماه‌ها و سال‌ها بررسی علمی و تجربی بوده و باید کشاورزان ما نسبت به آن موارد آگاهی یافته و عمل کنند. فرمانده سپاه نینوا اطلاع‌رسانی یافته‌ها و تحقیقات جدید که به توسعه صنعت کشاورزی کمک می‌کند را مهمترین نیاز امروز کشور دانست و افزود: باید از همه توان برای استفاده درست و اصولی از اراضی شیبدار و مسطح استفاده کنیم.



آگهی مناقصه عمومی



شهر داری گرگان در نظر دارد

نسبت به احداث پارک خطی کاوش (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۱۴,۹۱۱,۳۰۲,۱۰۶ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای فهرست بهاء و رسته کاری ابنیه- راه باند از محل کد پروژه ۲۰۱۱۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت‌های واجد شرایط می‌توانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ لغایت مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۰۴ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

سیدمحمد رضا سیدالنکی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۶۱۷۰۴۷

گلشن

۰۱۷۳۳۲۲۴۴۳۰۲

۰۱۷۳۳۲۲۵۱۳۱۶

صداقت در اطلاع رسانی

۴۵۰ خانه برای معلولان در دست ساخت است

خبر

تفاهم نامه تشکیل کمیته مدیریت مردمی بحران روستاها امضا شد



تفاهم نامه تشکیل کمیته مدیریت مردمی بحران در روستاهای گلستان با هدف تشکیل تیم های واکنش سریع با حضور حلقه های میانی، مردم و حمایت دولت امضا شد. به گزارش مهر، تفاهم تشکیل مدیریت مردمی بحران در روستا با هدف تشکیل تیم های واکنش سریع با حضور حلقه های میانی، مردم و حمایت دولت امضا شد. این تفاهم نامه با هدف استفاده از ظرفیت نیروهای مردمی، حلقه های میانی و به منظور کاهش آسیب پذیری و افزایش تاب آوری سکونتگاه های روستایی و در راستای اجرای بند ۳۴ مصوبات ستاد پیشگیری، هماهنگی و فرماندهی عملیات پاسخ به بحران استان منعقد گردید. مدیر کل مدیریت بحران گلستان اظهار کرد: بر اساس این تفاهم نامه برای مردم در مدیریت بحران نقش های لازم تعریف شده تا آنها در حوزه پیشگیری، پاسخ و بازتوانی بتوانند همکاری لازم را داشته باشند. نعمت حاجی زاده، با اشاره به اینکه بر اساس نظام حکمرانی مردمی این تفاهم نامه می تواند نقش مردم را تقویت سازد، افزود: به دنبال مدیریت مردمی بحران در روستاها با تشکیل تیم های واکنش سریع هستیم. همچنین مدیر کل امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان گفت: این تفاهم نامه با نگاه آماده سازی روستاها قبل از ورود دستگاه های مدیریت بحران منعقد می شود. سید کمال محب حسینی، افزود: گروه های مردمی با مدیریت دهیاران نقش تأثیرگذاری در مدیریت بحران روستایی دارند. وی گفت: بر اساس این تفاهم نامه آموزش دهیاران مورد توجه قرار گرفته تا زمینه کاهش آسیب دیدگی روستا در بحران فراهم شود. محب حسینی خاطر نشان کرد: گلستان اولین استان کشور است که این اقدام مشترک را اجرایی می کند.

«»

سرقت ۱۵ میلیاردی حسابدار در گرگان

فرمانده انتظامی شهرستان گرگان از سرقت ۱۵ میلیاردی حسابدار مغازه در این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، علی تجری اظهار کرد: با شکایت فردی مبنی بر برداشت غیرمجاز از حسابش، بررسی موضوع در دستور کار مأموران کلانتری ۱۳ قرار گرفت. وی افزود: در بررسی اولیه مشخص شد؛ فرد یا افرادی با در اختیار داشتن اطلاعات و رمزهای عبور، مبلغ ۱۵ میلیارد ریال را طی چندین مرحله از حساب بانکی وی برداشت کرده اند. این مقام انتظامی گفت: با بکارگیری روش های فنی و شگردهای خاص پلیسی، متهم شناسایی و با هماهنگی مرجع قضائی دستگیر و در تحقیقات فنی ضمن اعتراف به بزه انتسابی بیان کرد: به عنوان حسابدار در شرکت شاکي مشغول به کار بوده و به تمام اطلاعات حساب بانکی و رمزهای عبور دسترسی داشته و با توجه به این دسترسی اقدام به سرقت کرده است.

مسکن انقلاب اسلامی استان است. به گفته وی برای ساخت هر واحد مسکونی ویژه خانواده دارای معلول بین ۲ تا ۳.۵ میلیارد ریال تسهیلات قرض الحسنه با کارمزد پنج درصد و باز پرداخت ۲۰ ساله در نظر گرفته شده است. حسینی اضافه کرد: علاوه بر این، بهزیستی نیز در حمایت از این خانواده ها برای ساخت مسکن، بین یک تا ۱.۵ میلیارد ریال کمک بلاعوض پرداخت می کند. وی یادآور شد: از ابتدای دولت سیزدهم تاکنون در گلستان ۷۸۰ واحد مسکونی برای خانواده دارای معلول ساخته و تحویل شده است. براساس گزارش مرداد سال ۱۴۰۲ مسولان بهزیستی گلستان، هزار و ۶۹۱ نفر از افراد جامعه هدف این نهاد در طرح نهضت ملی مسکن در گلستان نام نویسی کرده اند و پس از شناسایی و احراز هویت، اقدامات لازم برای تخصیص پروژه به مددجویان انجام خواهد شد.



خانواده دارای معلول در استان سهمیه تعیین شده است. وی ادامه داد: معرفی خانواده معلول واجد شرایط برای ساخت مسکن توسط بهزیستی انجام می شود و پیگیری مراحل ساخت از جمله نقشه و پروانه ساختمانی رایگان و معرفی به بانک های عامل برای دریافت وام ارزان قیمت برعهده بنیاد

۳۵۰ واحد در مرحله پی کنی، ۳۱۳ واحد اجرای فونداسیون، ۲۸۲ واحد اجرای اسکلت، ۲۵۰ واحد اجرای سقف، ۱۸۶ واحد در مرحله نازک کاری (گچ کاری) و ۵۵ واحد آماده بهره برداری شده است. وی ادامه داد: امسال براساس تفاهم نامه کشوری ساخت ۷۸۰ واحد مسکونی برای

مدیرکل بنیاد مسکن انقلاب اسلامی گلستان گفت: ساخت ۴۵۰ واحد مسکونی برای خانواده های واجد شرایط دارای معلولیت در این استان توسط این اداره کل با توجه به بُعد جمعیت هر خانوار در دست اجرا است. به گزارش روابط عمومی، سید محمد حسینی اظهار کرد: از این تعداد،

احیای کارخانه آجر ماشینی در آزادشهر

فرماندار آزادشهر از احیای کارخانه آجر ماشینی با اشتغالزایی ۲۲۰ نفر در شهرستان آزادشهر خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سید جواد کریمی در جلسه کمیسیون کارگری آزادشهر اظهار کرد: یکی از وظایف و اهداف مهم کمیسیون کارگری، رصد مسائل و مشکلات جامعه کارگری و پیشگیری از ایجاد چالش های احتمالی و گره گشایی کارگاه های تولید است. فرماندار آزادشهر بر شناسایی و رفع مشکلات واحدهای کارگری تأکید کرد و گفت: پشتوانه حقیقی استقلال اقتصادی کشور در گرو فعالیت های مسولانه کارگران و تعامل مثبت و سازنده با مدیران واحدهای

پادرمیانی می کنند. آسیایی اظهار کرد: در این پویش بخشی از تمرکز بر تلاش برای اخذ رضایت در پرونده های مهم به ویژه پرونده های قصاص است. رئیس کل دادگستری گلستان به برگزاری پویش به حرمت امام حسین (ع) می بخشم، هم اشاره کرد و گفت: در قالب این پویش هم که از ابتدای ماه محرم تا اربعین حسینی برگزار شد، اولیای دم در ۵ پرونده قصاص به حرمت امام حسین (ع) از اجرای قصاص منصرف شدند و محکومان را بخشیدند. آسیایی افزود: همچنین در ۳۹ پرونده نیز، شاکیان با پادرمیانی اعضای شورای حل اختلاف و به حرمت ایام عزاداری سید و سالار شهیدان، گذشت کردند و سبب آزادی ۳۹ مددجو شدند. وی ادامه داد: پویش های «به حرمت امام رئوف می بخشم» و «سیره مهدوی - بخشش علوی» از جمله تلاش های ستاد صبر استان برای ترویج فرهنگ صبر و صلح و سازش است.

اجرای پویش بخشایش فاطمی در دادگستری گلستان

رئیس کل دادگستری گلستان از اجرای پویش بخشایش فاطمی خبر داد و گفت: این پویش برای گسترش فرهنگ صلح و سازش راه اندازی شده است. به گزارش روابط عمومی، حیدر آسیایی از آغاز پویش بخشایش فاطمی با هدف کمک به آزادی زندانیان غیرعمد و گسترش فرهنگ صبر و گذشت در استان خبر داد. وی افزود: در قالب این پویش که از شهادت حضرت فاطمه زهرا (س) آغاز و تا سالروز ولادت ایشان ادامه دارد، همکاران ما در شوراهای حل اختلاف و ستاد صبر با کمک صلح یاران و ریش سفیدان برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات و دعوی و آزادی زندانیان،



آگهی مناقصه عمومی



شهرداری گرگان در نظر دارد

نسبت به اجاره دستگاه ویرتکن به صورت مترمربعی (با مشخصات بارگذاری شده در سامانه ستاد) با مبلغ برآورد اولیه ۲۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بدون تعدیل) بر مبنای رسته کاری اشخاص حقیقی یا حقوقی از محل کد پروژه ۴۰۲۱۰۱ بودجه عمرانی شهرداری از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید، لذا افراد و شرکت های واجد شرایط میتوانند از تاریخ ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ لغایت مورخه ۱۴۰۲/۱۰/۰۴ به سامانه ستاد آدرس اینترنتی www.setadiran.ir مراجعه نمایند.

سیدمحمد رضا سیدانگی - شهردار گرگان - شناسه آگهی ۱۶۱۶۹۵۱

یادداشت دبیر صفحه

سر ارادت ما و آستان حضرت دوست

سرانجام رسیده ام به لحظه ی دیدار دوست، یک بار دیگر در گرد هم می آیم و آشنایی را جشن می گیریم. «لحظه ی دیدار نزدیک است». با هم شعر و داستان می خوانیم و می شنویم و این دیدار دلیل زیستن ما در جهان کلمه و لبخند است. دوستانی که در این چهارسال با هم خواندیم و نوشتیم حالا در سالن کانون طه؛ از هم می شنویم و دوباره با کلمه پیمان مهر می بندیم. «از مهرت لبخندی کن بنشان بر لب ما».

شما می توانید به همراه خانواده و دوستان به این نشست بیایید. از هم ایده بگیریم و داستان های جدید بنویسیم و باور داشته باشیم که در همین دیدارها داستان جدیدی در زندگی ما شکل می گیرد و دنیا آغوش محبت خود را به سوی ما می گشاید. چه کسی نقشه جنگ و خشم را در جهان می کشد؟ خوبی چه بدی دارد که بعضی ها اینقدر از آن دوری می کنند؟ با چند کلمه می توان نقشه های جنگ در جهان را دگرگون کرد؟

همین حروف کلمه «جنگ» را از آخر که بخوانیم می شود: «گنج»؛ گنج ما شاید نوع نگاه ما به روند زندگی و طبیعت است. بیایید یکبار دیگر کلمه ها را بخوانیم. با تلفظی دیگر اما این بار دلنشین تر و باشکوه تر.

دوره می نویسندهگان

کودک و نوجوان

روزنامه گلشن مهر

چهارشنبه | پانزدهم آذر ماه ۱۴۰۲ | ساعت ۱۷ الی ۲۰
انتهای خیابان شهید رجایی کانون فرهنگی تربیتی طه



هایشان جدا می شد و بر زمین خاکی و گل آلود ریخته می شد. گویا آن همه برگ های زیبا را در ناز و نعمت بزرگ کرده بودند. یکی از آن درختی که پشتش به صندلی دو نفره که کمی زنگ زده بود، لبخندی زد و چنین گفت: «افسوس خوردن و گریه زاری، فایده ای ندارد و چیزی را درست نمی کند. من هم مانند شما وقتی برگ هایم جدا می شدند افسوس می خوردم تا یک درخت کهن سخنی برآیم گفت که می خواهم برای شما بازگو کنم: «شما درختان به مرور زمان برگ های رنگارنگ و زیبای خود را از این برگ ها در می آورید. هیچ غصه ای نخورید! از من به شما نصیحت که افسوس خوردن چیزی را درست نمی کند و فقط شما را عذاب می دهد».

کم کم درختان به خودشان آمدند و با حرف های این درخت بزرگوار کمی آرام تر شدند و بهانه ای نیاوردند. چند ماه از این موضوع گذشت و درختان برگ های خیلی زیاد و زیبایی بدست آوردند و خوشحال بودند از اینکه حرف های آن درخت مفید بود و نتیجه گرفتند که اگر چیزی را از دست دادند خداوند متعال همان یا بهتر از آن را نصیبمان خواهد کرد.

فواره ی پارک



سینا سستانی

فواره پارک به سبزه ها، وسایل بازی و صندلی ها نگاهی انداخت. فواره ای زیبا و باشکوه بود، تا آنجایی که به یاد داشت همیشه بعد عید درون آن ماهی های بزرگ و کوچک قرمز می انداختند. امروز گروهی از دانش آموزان به سمت پارک آمدند، با ورود آنها مهمه ی قطره ها شروع شد. یکی از قطره ها گفت: «نگاه کنید بچه ها این خانم همونی نیست که چند وقت پیش با چند بچه ی دیگر به اینجا آمده بود؟» قطره دیگری گفت: «فکر کنم بچه ها بهش میگفتند خانم حسینی، شاید آمده اند تا شعر بخوانند». فواره گفت: «شاید، کسی چه می داند؟»

بر خلاف باور همه، بچه ها در هر مکان های مختلف پخش شده و مشغول نوشتن شدند. بعد از مدتی خانم حسینی آنها را صدا کرد تا به پیش او بیایند، یکی از بچه ها قبل از اینکه پیش بقیه برود به سمت فواره رفت و دستش را درون آب برد، آب خنک و دلنوازی بود. بعد از صحبت های خانم حسینی بچه ها سر جایشان برگشتند و به نوشتن ادامه دادند اما بعد مدتی کوتاه همه به سمت وسایل بازی و وسایل ورزشی رفتند.

بعد از اینکه بچه ها بازی کردند خانم حسینی آنها را صدا زد و همه به سمت در خروجی رفتند. در آخر یکی از دخترها به سمت فواره آمد و گلی را از درون آب در آورد و خندان به سمت بقیه رفت. فواره لبخندی زد و گفت: «چه بچه های شاد و خوشحالی!» قطره گفت: «آره خیلی خوشحال و پر انرژی بودند، راستی فواره من متوجه شدم، آنها برای نگارش و داستان نویسی به اینجا آمده بودند!» فواره گفت: «چه جالب!»

درختان زیبا



نیایش زرگری

اندک اندک شفق غروب جایش را با تاریکی شب عوض می کند، صدای باد که برگ درختان را به رقص در آورده بود از دور دست شنیده می شد. حیف که درختان از این بابت افسوس می خوردند؛ افسوس از اینکه برگ های زیبایشان از تنه

یک روز به یاد ماندنی



نستر کیا

صبح روز شنبه ساعت هشت زهرا از خواب پا شد و رفت صورتش را شست و مسواک زد و بعد دید خیلی گرسنه است و رفت وسایل صبحانه را آماده کرد و با برادر کوچک تر از خودش صبحانه ی لذیذ را خورد. بعد از اینکه صبحانه را خورد لباس های برادرش را تنش کرد و او را به مهد برد و خودش هم رفت به پارک. هوای پارک خیلی زیبا بود و از این همه زیبایی زهرا هیجان زده شد و رفت زیر یکی از آن درخت ها و کتاب خواند. دید با کتاب خواندن هم مشکل او بر طرف نمی شود و دفترش را در آورد و یک انشای بسیار زیبا در مورد پاییز نوشت و بعد از این که انشای زهرا تمام شد دید هنوز بسیار دارد و رفت کمی تاب بازی کرد همینجور که غرق بازی بود یک دفعه یادش آمد وای برادرم را از مهد نگرفتم و ساعت را دید و بیست دقیقه از تعطیل شدن برادرش می گذشت و سریع کتاب و دفتر خود را گرفت و رفت دنبال برادرش، برادرش از اینکه زهرا دیر کرده بود خیلی ناراحت بود، ولی زهرا برای برادرش یک ماشین اسباب بازی خرید و برادرش را از ناراحتی در آورد. دید برادرش خیلی خوشحال است و به او گفت چه غذایی دوست داری برای ناهار درست کنم و برادرش گفت سالاد ماکارونی و خواهرش رفت به هایپر مارکت و وسایل لازم را برای درست کردن سالاد ماکارونی خرید و به راه خودشان ادامه دادند. آنقدر غرق صحبت کردن بودند که ساعت از دستشان در رفت و زهرا به برادرش گفت وای الان مادر می آید خانه و ناهار هیچی نداریم و سریع خودشان را به خانه رساندند و زهرا لباس های خودش را عوض کرد و رفت سالاد ماکارونی را درست کند و برای برادرش یک کارتون بگذارد. رفت و سالاد ماکارونی را درست کرد و یک دفعه دید مادرش به خانه آمد وقتی مادرش دید ناهار آماده است به دخترش گفت خیلی خیلی متشکرم مادرش رفت لباس های خود را عوض کرد و زهرا گفت مادر تا شما دست و صورت خود را بشویید، من سفره را پهن میکنم تا با هم یک غذای خوشمزه بخوریم. وقتی ناهار را خوردند مادر زهرا گفت دخترم مرسی که امروز در کار خانه به من کمک کردی زهرا گفت خواهش میکنم مادر عزیزم. مادر زهرا گفت: دخترم حالا می توانی بروی به درس هایت برسی و زهرا گفت چشم و رفت به اتاقش و کتاب خود را در آورد و مشغول مطالعه بود. یکدفعه گفت وای فردا باید روزنامه دیواری درست میکردم ولی درست نکردم و سپس رفت یک مقوای سفید خرید و رفت روزنامه دیواری خود را درست کرد وقتی روزنامه دیواری را تمام کرد پدرش از سر کار آمد و مادر زهرا گفت دخترم بیا پایین شام بخوریم و زهرا رفت و شام خوشمزه را خورد و بعد از شام رفت صورت خود را شست و مسواک زد و رفت به اتاقش که بخوابد و با خودش میگفت امروز خیلی روز دلنشینی بود و بعد از اینکه حرفش تمام شد رفت به رختخواب خود و خوابید تا بتواند فردا هم یک روز عالی را شروع کند.

تاب



شایسته معماری

ساعت ده صبح بود باران شروع به باریدن کرد و همه ی تاب ها خیس شدند. ساعتی بعد چند کودک به پارک رفتند؛ ولی برای این که تاب خیس بود با آن بازی نکردند. تاب ناراحت شد ولی میدانست که باید کمی صبر کند تا خشک شود و بعد کودکان با او بازی کنند. کمی گذشت بادی ملایم شروع به وزیدن کرد و تاب خشک شد. فردای روز بعد کلی کودک به پارک رفتند و با او بازی کردند.

کاربرد حرف «پ»

معصومه سادات حسینی



پنجشنبه هفته ی قبل تولد دوستم، پریسا بود. می خواستیم سورپرایزش کنیم. با خاله پروانه، با مادر پریسا هماهنگ کردیم که ساعت پنج و پنجاه دقیقه به خانه اش برویم. قرار شده بود که دوستم پریناز، پریسا را سرگرم کند. مادر پریسا و پارسا هم قرار بود که کیک بگیرند ولی نشد که مثل برنامه پیش برویم. موقعی که پریسا داشت وارد اتاق میشد، پارسا سر خورد و با کیک رفت توی صورت پریسا. مجبور شدیم که از بیرون پیتزای پپرونی و پاستا سفارش دهیم. برای کادو، پارسا برای پریسا هودی و شلوار ست رنگ پسته

شاهنامه بخوانیم



آزاده حسینی

بارها در مورد معنا در داستان‌های شاهنامه صحبت کرده ایم. سخن از ویژگی شخصیت‌ها و موقعیت‌ها گفته ایم. گاهی وقت‌ها دانستن ماجراها و شناخت نسبت به خصوصیات افراد به ما کمک می‌

کند که درک بهتری از داستان‌ها داشته باشیم. اما یکی از نکات اولیه در خوانش متن آگاهی از معانی لغات است. به ویژه اینکه بعضی از لغت‌ها ممکن است بیش از یک معنی داشته باشند. در این موارد ما باید به مفهوم متن آگاهی داشته باشیم تا بتوانیم به معنی اصلی آن لغت در متن مورد نظر دست یابیم. به عنوان مثال به کلمه «ستاره» در بیت زیر دقت کنید:

یکی خیمه‌ی پرنیان ساخته
ستاره زده جای پرداخته

ستاره در اینجا به معنی «پشه بند» است. وقتی در مورد خیمه صحبت می‌کنند پی به معنی دوم کلمه ستاره در اینجا می‌بریم. کلمه «پرداخته» هم بسیار در کتاب شاهنامه فردوسی تکرار شده است. در اینجا به معنی «خالی و خلوت کرده» است. شما هم در کتاب شاهنامه فردوسی بیت‌هایی که در آن کلمه «پرداخته» آمده است را پیدا کنید و برای ما بفرستید تا با هم بررسی کنیم.

بیاورد به کردار باد دمان

سری پر ز پاسخ دلی پر گمان

گمان در اینجا به معنی نگرانی است. یعنی «دل نگران» بود.

در بعضی موارد هم باید چند بار متن را بخوانیم و بر اساس تجربه دانش خود معنی عبارت را حدس بزنیم:

که با سلم و با تور گردان سپهر

نه بس دیر چین اندر آرد به چهر

«چین به چهر آوردن» یعنی خشمگین شدن.

ای گرفته بود؛ پریناز هم عروسک طرح پاندا گرفته بود، پریناز پاندا دوست دارد. من هم برای پریناز پالتو گرفته بودم. آخر شب، با هم پی اس فور بازی کردیم و بعدش فوتبال بین پرسپولیس و سپاهان شروع شد و با هم فوتبال دیدیم. آن شب خانه‌ی پریناز خوابیدیم و صبح رفتیم پارک سر کوجه برای پیاده روی، بعد رفتیم پاساژ و کلی خرید کردیم. برای ناهار دوباره پیتزا پپرونی با نوشابه پیسی خوردیم؛ آن روز تا آخر شب با پریناز و پارسا و پریناز بیرون بودیم و آخر شب، پدرم به دنبالم آمد و با هم به خانه رفتیم. با اینکه نشد مثل برنامه پیش برویم ولی باز هم به ما خوش گذشته بود.



مهیار گلولی

روزی روزگاری پرنده‌ای به نام کوکو در جنگل زندگی می‌کرد. آسمان خیلی قشنگ و آبی بود، کوکو به سمت برکه راه افتاد یک دفعه قورباغه‌ای را دید که با بچه اش در برکه بود. کوکو با قورباغه دوست شد و با آنها بازی کرد. او بسیار خوشحال بود که قورباغه‌ها با او دوست شدند. کوکو خیلی پسر خوبی بود. شب شد همه به خواب رفتند. صبح زود کوکو بیدار شد و به ملاقات قورباغه رفت و به آنها سلام کرد. بچه قورباغه حالش بد شد و دل درد شدیدی گرفت. مادر قورباغه ناراحت شد، کوکو رفت تا راهی پیدا کند و برای قورباغه کوجولو دارو بگیرد تا او خوب بشود. داروها را گرفت. بچه قورباغه خورد و حالش خوب شد. آنها از کوکو تشکر کردند.



فاطمه زهرا ترابی

اگر روزی
دگر جایی
مَرایی خود گمان کردی
بگویم خُب!
گمان بی گمان کردی!
اگر رفتَم
دگر بی تو
بدانی خُب!
آشیا نَم جَز کَفَن
چیزی دگر نیست.
اگر دَر خواب هم بیَم
که تو مَن را
بَرای دیگری خواندی
بدان!
خَوَانِش بَرایم مَرگِ طولانی نیست.



فائزة رسولی

طعنه‌ای عمیق از آنچه که ندارم و نگاهی سرد که غرق ناامیدی است. چه حیف که این واژگان در هم پیچیده نیز نمی‌توانند وجود مرا به اغوا برسانند. دردی عمیق درون مرا سلاخی می‌کند. فریادی از جنس مرگ فرا می‌دهد و من به گوشه‌ای نشسته‌ام و به منظره‌ای از رنگ‌های خورشید نگاه می‌کنم. شاید نور خورشید به پنجره تار عنکبوت بسته‌ی من بتابد و تارهای عنکبوت را ذوب کند. شاید هم باران بیاید و دلنگی را از نو بنوازد و من را در میان بندگی از تمام نداشته‌هایم به غبار آلودگی بکشاند.



سید مهدی حسینی

یکی بود یکی نبود. در یک برکه‌ی پر از آب، قورباغه‌ای زندگی می‌کرد که خیلی بی‌نظم بود و همیشه کثیف بود. همه از او شکایت داشتند. چون خیلی بی‌نظم و شلخته و کثیف بود. او به خودش گفت: «من هیچ وقت به حمام نمی‌روم چون من از آب بدم می‌آید. اما از کثیفی خوشم می‌آید.» همه‌ی همسایه‌های قورباغه کنار هم جمع شدند و گفتند باید آن را با هم بگیریم و توی دریاچه بیاندازیم. قورباغه گفت: «من را از این آب تمیز در بیاورید.» دوستش گفت: «وای همین طور شنا کن تا ببری پیش بقیه همسایه‌ها!»

اون رفت پیش بقیه همسایه‌ها گفتند تو چقدر زیبا شدی! وقتی خودش را در آب تمیز دید باورش نمی‌شد که چقدر تمیز شده.



ضحارستمی

یکی بود یکی نبود، غیر از خدای مهربون هیچکس نبود. یک پرنده‌ی کوچکی در جنگلی زندگی می‌کرد. روزی او دلش می‌خواست پرواز کند؛ ولی او هنوز برای

پرواز کردن کوچک بود. هر روز از لانه به آسمان و پرندگانی که پرواز می‌کردند؛ نگاه می‌کرد و هی به خود می‌گفت: «کاش من هم بتوانم پرواز کنم.» همچنان که غصه می‌خورد، مادرش آمد و دید که پرنده کوجولو ناراحت است ولی مادرش دلیل ناراحتیش را می‌دانست. رفت در کنار پرنده کوجولو نشست و به او گفت: «عزیزم! ناراحت نباش تو هم روزی پرواز می‌کنی و هر کجا دلت بخواهد می‌روی!»

پرنده کوجولو سرش را پایین انداخت. مادر پرنده کوجولو با بالش سرش را بالا آورد و به او گفت: «تو که هنوز برای پرواز کردن کوچکی ولی من و پدرت قوانین و مقررات پرواز کردن رو بهت یاد میدیم.»

پرنده کوجولو خوشحال شد و بالا و پایین پرید، بعد از خوردن شام نشستند و درباره‌ی قوانین و مقررات پرواز صحبت کردند. پدرش به او نصیحت‌هایی کرد و قوانین را به او یاد داد. آن شب پرنده کوجولو خیلی خوشحال بود، رفت جلوی در لانه به آسمان و ستاره‌ها نگاه می‌کرد آنقدر نگاه کرد تا خوابش برد.

مدتی بعد پرنده کوجولو پرواز کردن را یاد گرفت و به این طرف و آن طرف پرواز می‌کرد، از این شاخه به آن شاخه می‌پرید. پرنده کوجولو دیگر به آرزوی رسیدن بود و در کنار خانواده اش زندگی آرام و آسوده‌ای داشت. قصه‌ی ما به سر رسید امیدواریم که کلاغه هم به لانه اش رسیده باشد.

خانه خانم خرگوشه نزدیک پارک است. او هر روز صبح کنار پنجره روی صندلی چوبی خود می‌نشیند و بیرون را نگاه می‌کند. امروز هم مثل همه‌ی روزها در یک صبح پاییزی کنار پنجره روی صندلی نشسته بود. او وقتی به پارک نگاه می‌کرد یاد خاطرات خودش می‌افتاد و دوست داشت دوباره به دوران کودکی خود برگردد و با بچه‌ها در پارک بازی کند. اما حیف که او دیگر بزرگ شده است. او از اینکه بازی بچه‌ها را در پارک می‌بیند، لذت می‌برد و خوشحال می‌شود.

بهار جام خورشید
باغبانی در باغش درختی کاشت و بعد از چند ماه آن درخت بزرگ شد و میوه داد. آن درخت درخت هلو بود و میوه‌هایش خیلی خوشمزه بود. یک شب جغد دانا رفت و روی آن شاخه درخت نشست و متوجه شد که آن درخت میوه‌هایش نورانی شده است. ترسید و رفت یک جای دیگر خوابید و چند ساعت بعد که صبح شد جغد دانا رفت پیش آقا کلاغه و همه چیز را برای او تعریف کرد و آقا کلاغه رفت و به همه خبر داد. همه یک جا جمع شدند و حرف آقا کلاغه را باور نکردند و کلاغه گفت من هم از جغد دانا شنیدم شب که شد همه حیوانات رفتند و تا که دیدن باورش‌شان شد. اما می‌ترسیدند جلو بروند و ببینند. پروانه که نمی‌ترسید رفت جلو تا ببیند. پروانه کوجولو رفت جلو و دید که فقط چند کرم شب تاب هستند که در میوه‌های هلو جشنی بر پا کردند، همه جلو رفتند و خوشحال بودند. خلاصه چند روز بعد تولد آهو کوجولو بود آن موقع برق‌ها رفته بود و حیوانات جنگل رفتند و از کرم‌های شب تاب کمی بگیرند. کرم‌ها رفتند توی هلوها و وقتی آهو کوجولو رسید آن کرم‌های شب تاب بیرون آمدند و یک صدا خواندند تولد تولد تولد مبارک مبارک تولد مبارک! بیا شمع‌ها رو فوت کن تا صد سال زنده باشی! خلاصه آنها این جشن را و از کرم‌های شب تاب تشکر کردند.

بهار جام خورشید
باغبانی در باغش درختی کاشت و بعد از چند ماه آن درخت بزرگ شد و میوه داد. آن درخت درخت هلو بود و میوه‌هایش خیلی خوشمزه بود. یک شب جغد دانا رفت و روی آن شاخه درخت نشست و متوجه شد که آن درخت میوه‌هایش نورانی شده است. ترسید و رفت یک جای دیگر خوابید و چند ساعت بعد که صبح شد جغد دانا رفت پیش آقا کلاغه و همه چیز را برای او تعریف کرد و آقا کلاغه رفت و به همه خبر داد. همه یک جا جمع شدند و حرف آقا کلاغه را باور نکردند و کلاغه گفت من هم از جغد دانا شنیدم شب که شد همه حیوانات رفتند و تا که دیدن باورش‌شان شد. اما می‌ترسیدند جلو بروند و ببینند. پروانه که نمی‌ترسید رفت جلو تا ببیند. پروانه کوجولو رفت جلو و دید که فقط چند کرم شب تاب هستند که در میوه‌های هلو جشنی بر پا کردند، همه جلو رفتند و خوشحال بودند. خلاصه چند روز بعد تولد آهو کوجولو بود آن موقع برق‌ها رفته بود و حیوانات جنگل رفتند و از کرم‌های شب تاب کمی بگیرند. کرم‌ها رفتند توی هلوها و وقتی آهو کوجولو رسید آن کرم‌های شب تاب بیرون آمدند و یک صدا خواندند تولد تولد تولد مبارک مبارک تولد مبارک! بیا شمع‌ها رو فوت کن تا صد سال زنده باشی! خلاصه آنها این جشن را و از کرم‌های شب تاب تشکر کردند.

بهار جام خورشید
باغبانی در باغش درختی کاشت و بعد از چند ماه آن درخت بزرگ شد و میوه داد. آن درخت درخت هلو بود و میوه‌هایش خیلی خوشمزه بود. یک شب جغد دانا رفت و روی آن شاخه درخت نشست و متوجه شد که آن درخت میوه‌هایش نورانی شده است. ترسید و رفت یک جای دیگر خوابید و چند ساعت بعد که صبح شد جغد دانا رفت پیش آقا کلاغه و همه چیز را برای او تعریف کرد و آقا کلاغه رفت و به همه خبر داد. همه یک جا جمع شدند و حرف آقا کلاغه را باور نکردند و کلاغه گفت من هم از جغد دانا شنیدم شب که شد همه حیوانات رفتند و تا که دیدن باورش‌شان شد. اما می‌ترسیدند جلو بروند و ببینند. پروانه که نمی‌ترسید رفت جلو تا ببیند. پروانه کوجولو رفت جلو و دید که فقط چند کرم شب تاب هستند که در میوه‌های هلو جشنی بر پا کردند، همه جلو رفتند و خوشحال بودند. خلاصه چند روز بعد تولد آهو کوجولو بود آن موقع برق‌ها رفته بود و حیوانات جنگل رفتند و از کرم‌های شب تاب کمی بگیرند. کرم‌ها رفتند توی هلوها و وقتی آهو کوجولو رسید آن کرم‌های شب تاب بیرون آمدند و یک صدا خواندند تولد تولد تولد مبارک مبارک تولد مبارک! بیا شمع‌ها رو فوت کن تا صد سال زنده باشی! خلاصه آنها این جشن را و از کرم‌های شب تاب تشکر کردند.

بهار جام خورشید
باغبانی در باغش درختی کاشت و بعد از چند ماه آن درخت بزرگ شد و میوه داد. آن درخت درخت هلو بود و میوه‌هایش خیلی خوشمزه بود. یک شب جغد دانا رفت و روی آن شاخه درخت نشست و متوجه شد که آن درخت میوه‌هایش نورانی شده است. ترسید و رفت یک جای دیگر خوابید و چند ساعت بعد که صبح شد جغد دانا رفت پیش آقا کلاغه و همه چیز را برای او تعریف کرد و آقا کلاغه رفت و به همه خبر داد. همه یک جا جمع شدند و حرف آقا کلاغه را باور نکردند و کلاغه گفت من هم از جغد دانا شنیدم شب که شد همه حیوانات رفتند و تا که دیدن باورش‌شان شد. اما می‌ترسیدند جلو بروند و ببینند. پروانه که نمی‌ترسید رفت جلو تا ببیند. پروانه کوجولو رفت جلو و دید که فقط چند کرم شب تاب هستند که در میوه‌های هلو جشنی بر پا کردند، همه جلو رفتند و خوشحال بودند. خلاصه چند روز بعد تولد آهو کوجولو بود آن موقع برق‌ها رفته بود و حیوانات جنگل رفتند و از کرم‌های شب تاب کمی بگیرند. کرم‌ها رفتند توی هلوها و وقتی آهو کوجولو رسید آن کرم‌های شب تاب بیرون آمدند و یک صدا خواندند تولد تولد تولد مبارک مبارک تولد مبارک! بیا شمع‌ها رو فوت کن تا صد سال زنده باشی! خلاصه آنها این جشن را و از کرم‌های شب تاب تشکر کردند.

بهار جام خورشید
باغبانی در باغش درختی کاشت و بعد از چند ماه آن درخت بزرگ شد و میوه داد. آن درخت درخت هلو بود و میوه‌هایش خیلی خوشمزه بود. یک شب جغد دانا رفت و روی آن شاخه درخت نشست و متوجه شد که آن درخت میوه‌هایش نورانی شده است. ترسید و رفت یک جای دیگر خوابید و چند ساعت بعد که صبح شد جغد دانا رفت پیش آقا کلاغه و همه چیز را برای او تعریف کرد و آقا کلاغه رفت و به همه خبر داد. همه یک جا جمع شدند و حرف آقا کلاغه را باور نکردند و کلاغه گفت من هم از جغد دانا شنیدم شب که شد همه حیوانات رفتند و تا که دیدن باورش‌شان شد. اما می‌ترسیدند جلو بروند و ببینند. پروانه که نمی‌ترسید رفت جلو تا ببیند. پروانه کوجولو رفت جلو و دید که فقط چند کرم شب تاب هستند که در میوه‌های هلو جشنی بر پا کردند، همه جلو رفتند و خوشحال بودند. خلاصه چند روز بعد تولد آهو کوجولو بود آن موقع برق‌ها رفته بود و حیوانات جنگل رفتند و از کرم‌های شب تاب کمی بگیرند. کرم‌ها رفتند توی هلوها و وقتی آهو کوجولو رسید آن کرم‌های شب تاب بیرون آمدند و یک صدا خواندند تولد تولد تولد مبارک مبارک تولد مبارک! بیا شمع‌ها رو فوت کن تا صد سال زنده باشی! خلاصه آنها این جشن را و از کرم‌های شب تاب تشکر کردند.



پارک

حنانه مهدیان



جای خالی دانشجویان در نمایشگاه هفته پژوهش

بیست و چهارمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن بازار گلستان با حضور ۲۳ غرفه در نمایشگاه هفته پژوهش برپا است

سوی پارک علم و فناوری گلستان پشتیبانی می‌شود اشاره کرد و گفت: ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های زیادی در این کارخانه برای عرضه به جوانان دارای ایده فراهم شده اما استقبال از آن کمتر از حد انتظار است. دانیال آشور یکی از جوانان گلستانی است که در کارخانه نوآوری گرگان مشغول فعالیت است. او چند سال قبل ایده تولید محصولات بافتنی مانند جاکلیدی، عروسک و مانند آن با ماده اولیه کاموا را در ذهن خود پرورش داد و با همکاری ۲ دوست دیگرش، این ایده را به مرحله اجرا رساند. وی گفت: با گذشت چهار سال از اجرای این کار، حالا در ۱۶ استان کشور بافنده داریم و محصولات خود را در بسیاری از استان‌ها می‌فروشیم. آشور افزود: در این کار، کاموای رنگارنگ و طرح‌های که می‌خواهیم تولید کنیم را برای بافنده‌های خود در استان‌ها می‌فرستیم و آنان پس از بافت، آن را از طریق پست برای ما ارسال می‌کنند و سپس با بسته‌بندی برای مشتریان می‌فرستیم. اجرای این ایده ساده جوان‌گرانی، چندین نفر را به طور مستقیم و غیرمستقیم مشغول کار کرده و توجه به ایده‌های خلاقانه جوانان و حمایت از آنان برای رساندن به مرحله تولید انبوه را ضروری کرده است. مه‌ماف اکبری دانشجوی رشته روانشناسی یکی از دانشگاه‌های گرگان است که به همراه سه دوست دیگرش مشغول تماشای غرفه‌ها هستند. هر از گاهی هم با دوربین از خودشان عکاسی می‌کنند. او در پاسخ به چرایی علت استقبال کم دانشجویان از این نمایشگاه گفت: برای ما که چیز جذابی نداشت. همه چیز تکراری بود. ما هم فقط از روی کنجکاوی آمدیم. در گوشه‌ای از نمایشگاه، کارگاه آموزشی پنل تخصصی در حوزه‌های فناوریانه و پژوهش‌محور برگزار می‌شود. ارائه انواع مشاوره‌های تخصصی از قبیل دانش‌بنیانی، مالکیت فکری و معنوی، ثبت اختراع و مشاوره‌های حقوقی به بازدیدکنندگان ارائه خواهد شد. موزه تخصصی سنگ و گوهر و آموزش‌های بازی‌محور و مهارت‌محور برای دانش‌آموزان و کودکان از دیگر بخش‌های ویژه این نمایشگاه است. بیست و چهارمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن بازار گلستان روز گذشته به کار خود پایان داد.



مردم از این نمایشگاه اشاره کرد و افزود: بخش عمده مراجعه کنندگان ما دانش‌آموزان و حتی از مهدهای کودک بودند. اگر چه از برنامه‌ریزی مدیران این مدارس و مهدها برای معرفی ظرفیت‌های صنعتی گلستان خوشحالییم اما ای‌کاش دانشجویان بیشتری از این نمایشگاه دیدن می‌کردند. حسین بابایی مسوولین این غرفه به دستاوردهای پژوهشی دانشگاه گنبدکاووش اشاره کرد و گفت: یکی از ویژگی‌های مهم این مرکز آموزش عالی، توجه به بخش پژوهش و کاربردی کردن آن برای حل مشکلات استان است که یکی از نمونه‌های بازر آن، کمک به اجرای طرح بیابان‌زدایی در مراتع شرق گلستان با مطالعه بر روی گونه‌های مقاوم به آب و هوای منطقه است. بابایی افزود: پایه توسعه هر جامعه، توجه به تحقیق و پژوهش و کاربردی کردن آن است که اساس این تغییر و تحولات باید از مراکز آموزش عالی آغاز شود. وی ادامه داد: با وجود آن که دانشگاه‌های گلستان در این نمایشگاه غرفه داشته و حضور دارند اما تعداد دانشجویانی که از نمایشگاه دیدن کرده‌اند، بسیار کم است. وی به ظرفیت کارخانه نوآوری گرگان که از

محصولاتی که با حمایت کمیته امداد امام خمینی (ره) تولید شده‌را به نمایش می‌گذارد. ابزارها و تجهیزات و قطعه‌های صنعتی کوچک و متوسط که بخشی از هزینه آن از سوی این نهاد پرداخت شده و چند نفر با کمک هم به تولید آن پرداختند. فواد عبادی از جمله کسانی است که با این حمایت‌ها دست به تولید زده و چندین قطعه از جمله موتور احتراق داخلی صفحه‌های دوزمان و قطعات مورد استفاده از خودرو را ساخته است. وی گفت: کاربرد برخی قطعه‌ها برای خودروهای داخلی است و برای تولید انبوه آن با شرکت‌های خودروساز مذاکره کردیم اما به نتیجه نرسیدیم. این مخترع و صنعتگر گلستانی ادامه داد: به جز خودروسازها، دیگر تولیدات خود را با سفارش مشتریان می‌سازیم و از فعالیت و فروش آن نیز رضایت داریم. عبادی به کیفیت برگزاری بیست و چهارمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن بازار گلستان اشاره کرد و گفت: یکی از ویژگی‌های مثبت این نمایشگاه، برقراری تعامل با دیگر غرفه‌ها برای کمک به بهبود وضعیت و تکمیل فرایند تولید با کمک دیگر ایده‌پردازان استان بود. وی به استقبال

توجه به پژوهش و اندیشیدن، یکی از مبانی اصلی رسیدن به توسعه، رشد صنعتی و در ادامه رونق اقتصادی به شمار می‌رود. برگزاری نمایشگاه هفته پژوهش تلاشی برای نمایش دستاوردهای پژوهشی و تحقیقاتی شرکت‌های فناوری و دانش‌بنیان و مراکز تحقیقاتی گلستان است اما این رویداد کمتر از انتظار مورد توجه دانشجویان به عنوان پایه‌گذاران اصلی آینده کشور قرار گرفته است. به گزارش ایرنا، بیست و چهارمین نمایشگاه دستاوردهای پژوهش، فناوری و فن بازار گلستان با حضور ۲۳ غرفه در نمایشگاه هفته پژوهش برپا است و یکی از جلوه‌های آن، حضور پررنگ دانشگاه‌ها با آخرین یافته‌ها، اختراعات و تولیدات است. ساعت خلوتی را برای حضور در نمایشگاه انتخاب کرده ایم تا با فرصت از این نمایشگاه دیدن کنیم اما پیدانشدن جای پارک، ثابت می‌کند که تصورمان اشتباه است و علاوه بر خودروهای شخصی، پارک مینی‌بوس‌های زیاد در اطراف محل برپایی نمایشگاه به حضور جمعیت زیاد در غرفه‌ها گواهی می‌دهد. درون نمایشگاه شلوغ است اما بسیاری از شرکت کنندگان را کودکان و دختران و پسران دبستانی تشکیل می‌دهند. شور و شادی کودکان در فضای این نمایشگاه پیچیده و مدیریت را برای مربیان و همراهان آنان سخت کرده است. غرفه‌ها بسیار شلوغ است. رویه روی هر غرفه تعداد زیادی از دانش‌آموزان ایستاده‌اند و به حرف‌های مربی و یا مسوول غرفه گوش می‌دهند. از چهره آنان معلوم است که متوجه بسیاری از حرف‌ها و توضیحات نمی‌شوند اما اشتیاق حضور در محیطی خارج از مدرسه و در جمع صمیمانه دوستان، از شور و شوق آنان برای بازدید از غرفه‌ها نمی‌کاهد. «بچه‌ها! این دستگاه به محض ورود سارق و احساس خطر فعال می‌شود و با تولید حجم متریکی از مه غلیظ با ماندگاری بالا در کمترین زمان ممکن، باعث از بین بردن دید سارق و سلب امکان هرگونه عکس العمل بعدی ازش میشه.» متوجه شدین: همه بلند فریاد می‌زنند «بله» و چندان حرف «ب» را می‌کشند که ساختمان به لرزه در می‌آید اما از قیافه‌هایشان معلوم است که متوجه اصل ماجرا نشده‌اند. غرفه‌ها، پراکندگی موضوعی زیادی دارند. از تولید محصولات کشاورزی و ابزار وابسته به آن تا اختراعات دانش‌آموزی و دانشجویی و حتی غرفه فروش شال و کیف و کلاه. یکی از غرفه‌ها،

آرام‌شدنتان کمک زیادی می‌کند.

اهمیت سلامت ریه‌ها

تقویت ریه‌ها خصوصاً با بالا رفتن سن اهمیت زیادی دارد، زیرا ظرفیت ریه‌ها به تدریج کم می‌شود. تنفس سطحی به ریه‌ها اجازه نمی‌دهد تا تمام ظرفیت خود باز شوند. به مرور زمان، تنفس کمتر مؤثر شده و ممکن است اکسیژن کافی به بدن‌تان نرسد. تنفس سطحی می‌تواند باعث تنش عضلانی، فشار بر سیستم ایمنی و اختلال در توانایی خوابیدن شود. آلاینده‌های موجود در هوای خانه، مثلاً خوشبوکننده‌ها، گرد و خاک و کپک، می‌توانند بر ریه‌ها اثر بگذارند؛ بنابراین بهتر است از فیلتر هوا برای بهتر کردن کیفیت هوای خانه استفاده کنید. سیگار کشیدن نیز می‌تواند بر سلامت ریه‌ها اثر بگذارد و حتی اگر خودتان سیگار نکشید، دود سیگار اطرافیان به ریه‌های شما آسیب خواهند زد. در نهایت این که یک رژیم غذایی سرشار از فیبر و آنتی‌اکسیدان‌ها، ریه‌ها و بدن را سالم نگه می‌دارند.

بگیرید، دست‌ها را بالای سرتان ببرید و بکشید. نفسی را که گرفته‌اید ۲۰ ثانیه نگه دارید، سپس دوباره هم‌زمان با خم کردن کمر پایین بیایید و با زدم کامل انجام دهید. این تمرین را سه بار دیگر هم انجام دهید. همچنین می‌توانید با تنفس دیافراگمی، ریه‌ها را تقویت کنید. تنفس دیافراگمی به بدن‌تان یاد می‌دهد به‌جای اینکه سینه را برای تنفس به کار بگیرید از دیافراگم استفاده کنید. بنشینید یا به پشت دراز بکشید، دست‌ها را روی شکم بگذارید. با بینی و دهان بسته نفس بگیرید، احساس کنید که هنگام دم گرفتن، شکمتان بالا می‌آید و دیافراگمتان به اندام‌های داخلی تان فشار وارد می‌کند. برای با زدم لب‌ها را به هم بفشارید، مثل اینکه بادکنکی را باد می‌کنید. ۵ تا ۱۰ دقیقه روی عمیق کردن تنفس و منبسط و منقبض شدن شکمتان تمرکز کنید. همچنین این نوع تنفس به بدن‌تان یاد می‌دهد سرعت تنفس را کمتر کرده و اکسیژن بیشتری به ریه‌ها بکشد، خصوصاً وقتی احساس می‌کنید دچار تنگی نفس شده‌اید. تنفس دیافراگمی نیاز به انرژی کمتری برای تنفس دارد و به

می‌دهید، مثلاً ورزش می‌کنید، تنفس‌تان سریع‌تر می‌شود. وقتی استرس دارید نه تنها تنفس‌تان سرعت می‌گیرد؛ بلکه تنفس‌تان سطحی‌تر هم می‌شود. تنفس سطحی می‌تواند ناشی از استرس، وضعیت بدنی نادرست و عدم فعالیت باشد. البته تنفس سطحی می‌تواند نتیجه عوارض جدی مثل بیماری انسدادی ریه هم باشد. شاید هم متوجه شده باشید وقتی پیام‌ها یا ایمیل‌تان را چک می‌کنید، نفستان را نگی می‌دارید. تمرین کردن تکنیک‌های تنفسی می‌تواند تنفس‌تان را عمیق‌تر کرده و ظرفیت ریه‌های‌تان را بیشتر کند. یکی از روش‌ها این است که از کمر خم شوید و ریه‌ها را کاملاً از هوا تخلیه کنید.

تمرین تنفس کامل

این تمرین به شما اجازه می‌دهد ریه‌ها و بدن‌تان را بکشید. بایستید و از زانو کمی خم شوید و دست‌ها را طرفین خود نگه دارید. یک دم معمولی بگیرید و سپس تمام هوا را از ریه‌ها بیرون بدهید و هم‌زمان از کمر تاجایی که می‌توانید خم شوید. درحالی‌که دوباره بلند می‌شوید دم

با یک تمرین ساده ریه‌ها را تقویت کنید

می‌توانید با تنفس دیافراگمی، ریه‌ها را تقویت کنید. تنفس دیافراگمی به بدن‌تان یاد می‌دهد به‌جای اینکه سینه را برای تنفس به کار بگیرید از دیافراگم استفاده کنید. به گزارش ایرنا زندگی، همه ما بدون اینکه آگاه باشیم و تمرکز بکنیم نفس می‌کشیم؛ اما نفس کشیدن حیاتی‌ترین عملکرد برای زنده ماندن است. وقتی اکسیژن را به ریه‌ها می‌کشید، این ماده حیاتی از جریان خون عبور می‌کند و خود را به سلول‌ها می‌رساند تا آنها را تغذیه کند. طی با زدم، ضایعاتی که در اثر تولید انرژی سلولی ایجاد می‌شود، یعنی کربن دی‌اکسید، بدن را ترک می‌کند. این تبادل اکسیژن - کربن دی‌اکسید هر دقیقه ۱۲ تا ۲۰ بار اتفاق می‌افتد. می‌دانید که وقتی فعالیت تندی انجام